بسم ربّنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

حمد محبوب امکان و مقصود عالمیان را لایق و سزا است که اولیای خود را مؤیّد فرمود بر نصرت امر و اعلای کلمه و موفّق فرمود بر اجراء اوامر و احکام که سبب نظم عالم و حفظ امم است ایشانند ایادی امر و حروف کتاب بایشان قدرت و غلبه در عالم ملک ظاهر شد و باهر گشت ایشانند انجم سماء ظهور و اعلام نصر من لدی اللّه مالک النّشور بهم امطرت السّمآء و اشرقت الشّمس و انارت الآفاق

 دستخطّ آن حضرت فی‌الحقیقه کتابی بود که عشّاق جمال بیمثال را جذب مینمود چه معطّر بذکر محبوب عالم و منوّر بشمس اسم مبارکش بود علم اللّه نرجس و نسترن را این عرف نباشد و کذلک عنبر و یاسمن را بعد استشمام آن و اطّلاع بما فیه بآسمان آسمانها توجّه نموده مراتب عرض شد هذا ما نطق به لسان القدم جلّ جلاله

 یا اسد علیک بهآء اللّه الفرد الأحد الحمد للّه بذکر حقّ مشغولی و بخدمت امر قائم بگو ای عباد امروز روز دیگر است لسان دیگر باید تا قابل ثنای محبوب عالم شود و عمل دیگر باید تا مقبول درگاه گردد جمیع عالم طالب این یوم بودند که شاید موفّق شوند بآنچه لایق و سزاوار است طوبی از برای نفسی که امورات دنیا او را از مالک الوری منع ننمود غفلت ناس بمقامی رسیده که از خسف مدینه و نسف جبل و شقّ ارض آگاه نشده و نمیشوند اشارات و علامات جمیع کتب ظاهر و در هر حین صیحه مرتفع مع‌ذلک جمیع از خمر غفلت مدهوشند الّا من شآء اللّه هر روز ارض در بلای جدیدی مشاهده میشود و آناً فآناً در تزاید است از حین نزول سورهٴ رئیس تا این یوم نه ارض بسکون فائز است و نه عباد باطمینان مزیّن گاهی مجادله گاهی محاربه گاهی امراض مزمنه مرض عالم بمقامی رسیده که نزدیک بیأس است چه طبیب ممنوع و متطبّب مقبول و مشغول در این اطراف در بعض بلدان آثار خسف ظاهر امورات عجیبه ظاهر شده و میشود ولکن غافلین در حجاب مبین آیا تفکّر نمینمایند کجا است صدر اعظم ایران و عزّت و ثروت او کجا است قدرت و قوّت او غبار نفاق قلوب را اخذ نموده و ابصار را احاطه کرده سوف یرون ما عملوا فی ایّام اللّه کذلک ینبّئک الخبیر من لدن مقتدر قدیر انشآءاللّه بذکر حقّ و بثنای حقّ و خدمت امر حقّ لازال مؤیّد باشی بشأنی که آثار آن از آفاق عالم و آفاق قلوب امم ظاهر شود اولیای حقّ جلّ جلاله را باسم ابهی رحیق بقا بنوشان و کل را بذکر حقّ و عنایتش مسرور دار بگو جهد نمائید تا از ملکوت بیان بکلمه‌ئی فائز گردید انتهی للّه الحمد که کوب وصال در راه است بقول اهل پارس پی در پی میرسد از حقّ میطلبم این کأس همیشه در دور باشد چه که بظَلْم حبیب ممزوج است و باسم محبوب مشهور انشآءاللّه این نعمت را زوال اخذ نکند و ایادی معتدین تغییر ندهد هی خادم بنوشد و هی هنیئاً بشنود

 دو دستخطّ آن جناب که بتاریخ ٩ ذیقعده و ٢۴ آن مرقوم بمثابهٴ دو شمس بازغ بود از برای قلب فانی انشآءاللّه امثال آن شموس همیشه بازغ و طالع و مشرق و لائح باشد این عبد از حقّ سائل و آمل که در عرض جواب مؤیّد شود و تأخیر نرود چه در هر کرّه از اطراف میرسد آنچه که از اداء جواب آن عاجز است در جمیع احوال تأیید از حقّ جلّ جلاله است انّه لهو المؤیّد القدیر

 اینکه در بارهٴ جناب صاحب علیه بهآء اللّه مرقوم داشتند از قبل جواب آن در دو مکتوب عرض شد تا حال رسیده انشآءاللّه مؤیّد شوند بآنچه که اثر آن بدوام ملک و ملکوت باقی و پاینده ماند الحمد للّه که آن جناب در جمیع احوال بحکمت مؤیّدند اینکه ورود قم و معاشرت با دوستان حقّ جلّ جلاله را مرقوم داشتند این تفصیل عرض شد هذا ما نطق به لسان المقصود قوله عزّ اجلاله انشآءاللّه لازال بخدمت امر مشغول باشند و بهدایت غافلین موفّق انتهی

 و اینکه در بارهٴ جناب آقا محمّد ابرهیم و همچنین ندّافها علیهم بهآء اللّه و اشتعالشان مرقوم داشتند انشآءاللّه همیشه مشغول باشند طوبی لهم و لهم حسن مآب

 و اینکه مرقوم فرمودند گاهی اگر نفسی بآن اطراف توجّه نماید محبوب است هذه کلمة یصدّقها کلّ عالم خبیر و کلّ عارف حکیم لازال از لسان مبارک شنیده شد که باید نفوس چندی که باخلاق مزیّنند و بمقتضیات وقت و حکمت ناظر بآن جهات توجّه نمایند و روح حیوان مبذول دارند نسایم بیان رحمن باید همیشه در مرور باشد این فقره حسب الأمر لازم و واجب طوبی للعاملین

 اینکه در بارهٴ جناب نائب علی اکبر بیک علیه بهآء اللّه مرقوم داشته بودید جناب حاجی میرزا ابوالحسن علیه بهآء اللّه در دو مراسله که باین فانی ارسال داشتند ذکر ایشان و مراتب محبّت ایشان را نوشته بودند و هم‌چنین ذکر یک مرکوب را بتفصیل نوشته بودند ایشان در این امورات تا حال کمال ملاحظه را نموده‌اند و آنچه بایشان از هر کسی رسیده بساحت اقدس رسانده‌اند هذا ما شهد به الخادم علی قدره و مقامه و العلم عند اللّه العالم الخبیر

 اینکه در دستخطّ دیگر ذکر احبّآء اللّه ق‌م علیهم بهآء اللّه مرقوم بود بعینه همان فقرات مذکوره در ساحت امنع اقدس عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة قوله عزّ کبریائه

 یا اسد علیک بهائی سکر غفلت عالم را احاطه نموده مبیّن لازم نفس دوستان حقیقی الهی بمثابهٴ نسائم لطیفهٴ ربیع است در هر بلاد که مرور نماید اشجار وجود را خرّم فرماید و باثمار بدیعهٴ منیعه فائز کند ان احمد اللّه ربّک و ربّ من فی ملکوت الأمر و الخلق بما ایّدک علی خدمة امره و عرّفک ما کان مستوراً عن الأبصار الّا من شآء اللّه جناب احمد و ابرهیم و ندّافها علیهم بهآء اللّه و سایر دوستان آن ارض را تکبیر میرسانم انشآءاللّه بمقامی فائز شوند که سطوت غضب نفوس ظالمه ایشان را از مطلع نور احدیّه منع ننماید بگو ای دوستان امروز روز پرواز و روز ذکر و بیان است باید باسم حقّ بقوادم ایقان در هواء محبّت رحمن طائر و سائر باشید نسائم رحمت در مرور است و کأس رحیق بایادی عطا امام وجوه موجود ان اشربوا منها باسم ربّکم مالک الغیب و الشّهود قدر این ایّام را بدانید یکبار مرگ محتومست اگر در سبیل حقّ واقع شود احبّ بوده و خواهد بود اهل بها باید باخلاق حسنهٴ مرضیّه و آداب ملأ اعلی ظاهر باشند و بحکمت ناظر در این صورت آنچه وارد شود لعمر اللّه احسن است از حیوة عالم ای دوستان وقت را از دست مدهید بکمال وقار و تمکین به ما امرتم به فی الکتاب تمسّک نمائید انّه یسمع و یری و هو السّمیع البصیر انتهی

 و اینکه مرقوم داشتید که جناب آقا محمّد ابرهیم علیه بهآء اللّه در آن ارض مشتعلند لوح امنع اقدس مخصوص ایشان از سماء عنایت نازل انشآءاللّه بآن فائز شوند قوله عزّ کبریائه

هو السّامع المجیب

یا ابرهیم یذکرک الخلیل الّذی دعا الکلّ الی اللّه ربّ العالمین انّ المظلوم سمع ذکرک و اشتعالک بنار محبّة اللّه ذکرک بهذا اللّوح المنیر انّا دخلنا السّجن الأعظم و اظهرنا ما اراده اللّه العزیز الحکیم من النّاس من نبذ ما عند القوم و اقبل الی الأفق الأعلی و آمن بالفرد الخبیر و شرب کوثر الحیوان من ایادی عطآء ربّه الرّحمن و منهم من اعرض و استکبر علی اللّه العزیز الحمید طوبی لعین رأت بیّنات ربّها و لسمع سمع آیاته الکبری و للسان نطق بذکره الجمیل خذ الکتاب بقوّة من عندنا علی شأن لا تمنعک حجبات العلمآء و لا تخوّفک شؤونات الظّالمین قل یا ملأ الأرض تاللّه قد فتح باب السّمآء و اتی مالک الأسمآء بسلطان عظیم و اراد ان یحیی الأرض بعد موتها اتّقوا اللّه و لا تکونوا من الغافلین بظلمهم ناح الملأ الأعلی و ذرفت عیون المقرّبین سوف تفنی الدّنیا و ما عند النّاس و یبقی لک ما نزّل فی هذا المقام الکریم انّا نذکر احبّائی فی هناک الّذین تمسّکوا بما امروا به فی الکتاب من لدن آمر حکیم قل لو یأتیکم احد بغیر ما اراده اللّه دعوه بنفسه متوکّلین علی اللّه المقتدر القدیر یا احبّائی انّا نذکرکم لوجه اللّه لیبقی به اسمائکم فی لوحه الحفیظ کذلک نطق لسان المظلوم اذ کان بین ایدی المعرضین ان افرحوا فی ایّام ربّکم تاللّه قد ماج بحر الفضل و انار افق الظّهور بشمس ذکری المقدّس العزیز البدیع انتهی انشآءاللّه بزیارت این لوح امنع اقدس فائز شوند بنورش منیر و بحرارتش مشتعل گردند بشأنی که آثار آن در ملأ اعلی ظاهر شود تا چه رسد باهل ارض ولکن در جمیع احوال باید بحکمت ناظر باشید که مباد نعیق مرتفع شود و رحیق مستور ماند و مخصوص جناب آقا سیّد احمد و جنابان ندّافها علیهم بهآء اللّه از قبل الواح منیعهٴ مقدّسه نازل شده انشآءاللّه بآن فائز شوند و از بحر بیان رحمن بیآشامند

 و اینکه مرقوم فرمودند بارض جاسب توجّه نموده احباب الهی را ملاقات فرمودند مکتوبی این خادم فانی در جواب مراسلهٴ جناب ملّا غلام رضا نوشته و در آن مکتوب یک لوح امنع اقدس از سماء مکرمت مخصوص جناب ایشان نازل و هم‌چنین نفوس مذکورۀ در کتاب ایشان از برای هر یک لوح مبارک نازل تعالی تعالی فضل محبوبنا و عنایة مقصودنا و رحمته الّتی سبقت من فی الوجود اسم هر یک از دوستان که تلقاء وجه عرض شد حیّاً میّتاً نازل شد آنچه که شاهد و مدلّ و گواه است بر عنایت و شفقت و رحمت انشآءاللّه اهل بها بر مقامات خود مطّلع شوند و حفظش نمایند للّه عمل الّذین اعترفوا بما نطق به لسان العظمة صدهزار طوبی از برای نفسی که بتبلیغ امر اللّه قیام نمود و از برای نفوسی که باصغا فائز شدند و بکمال ثبوت و رسوخ بر امر قیام نمودند یسأل الخادم ربّه بأن یوفّق من فی العالم و یعرّفهم ما فات عنهم فی هذه الأیّام الّتی ما رأت العیون شبهها و نظیرها و مثلها

 و اینکه توجّه بارض بادقان و ذکر جناب آقا میرزا محمود علیه بهآء اللّه و اشتعال ایشان را بنار محبّة اللّه نموده بودید ذکر ایشان در مکتوب جناب حاجی میرزا ابوالحسن علیه بهآء اللّه بوده و این عبد این فقره را عرض نمود یک لوح امنع اقدس از سماء مرحمت مخصوص جناب ایشان و احبّای آن ارض نازل نزد جناب مذکور ارسال شد که برسانند آن محبوب باید بشارت لوح مبارک را بایشان بدهند تا بتأییدات الهی بیشتر از پیش بخدمت امر مشغول باشند و مخصوص جناب آقا محمّد ابرهیم علیه بهآء اللّه از اهل ق‌م هم لوح امنع اقدس نازل نزد جناب حاجی میرزا ابوالحسن ارسال شد که برسانند چه که ایشان ذکر جناب مذکور را نموده بودند و چون آن محبوب هم ذکر نموده‌اند یک لوح اعزّ امنع مرّةً اخری نازل و تفصیل آن عرض شد انشآءاللّه آن محبوب میرسانند جناب مذکور صاحب دو لوح شده‌اند انشآءاللّه این دو لوح دو جناح شود از برای پرواز ایشان در هواء محبّت رحمن

 و اینکه در بارهٴ نراق و احبّای آن ارض مرقوم داشتید تلقاء وجه عرض شد و ذکر هر یک از انفس مذکوره از لسان مبارک جاری و فرمودند الحمد للّه جناب اسد علیه بهائی فائز شدند بخدمت حقّ و ذکر و ثنایش امری که الیوم اهمّ است و لدی اللّه از رکن اعظم تبلیغ است و او بکمال روح و ریحان بآن مشغول است طوبی له و لمن یسمع منه ما انزله اللّه فی الکتاب احبّای ارض ن و راء تحت لحاظ عنایت بوده‌اند انشآءاللّه موفّق شوند بآنچه سزاوار یوم اللّه و مؤیّد گردند بآنچه سبب و علّت بقای ذکر است فرات جاری و بحر ظاهر طوبی للفائزین انتهی این خادم فانی خدمت ایشان تکبیر و ثنا معروض میدارد امید از فضل عمیم حقّ جلّ جلاله که جمیع را مؤیّد فرماید بر اتّفاق و اتّحاد و بر آنچه الیوم سبب ارتفاع امر اللّه است

 و اینکه مرقوم داشتید در حین نوشتن جناب آقا میر علیه بهآء اللّه از اهل فتح‌آباد هم استدعا نمودند که ذکر ایشان بشود این فقره عرض شد هذا ما نطق به لسان المحبوب فی الجواب قوله عزّ کبریائه یا میر انشآءاللّه انوار یوم ظهور در کلّ حین شما را منوّر دارد و بذکر دوست یکتا مشغول مشاهده در ناس نما عالمی را که کل بفنایش مقرّ و معترفند او را معبود اخذ نموده‌اند و از معبود حقیقی و انوار آفتاب معنوی محجوب و ممنوع شده‌اند یا میر ندای این اسیر را بشنو انّه یؤیّدک و یقرّبک الی اللّه الفرد الخبیر ذکر نفوس مستقیمه از قلم اعلی جاری و نازل انشآءاللّه به ما اراده اللّه متمسّک شوند و از دونش فارغ و آزاد جمیع دوستان آن ارض و دیار اخری را تکبیر میرسانم و بآنچه سبب علوّ و سموّ مقام انسان است وصیّت مینمایم طوبی للعاملین و ویل للغافلین البهآء المشرق من افق ارادة ربّکم الرّحمن علیک و علیهم و علی کلّ صبّار شکور الحمد للّه العطوف الغفور انتهی

 ذکر جناب حاجی محمّد رضا علیه بهآء اللّه از ارض صاد را مرقوم داشتند ذکرشان در ساحت من لا یعزب عن علمه من شیء عرض شد و این کلمات عالیات از سماء مشیّت منزل آیات مخصوص ایشان نازل انشآءاللّه بآن فائز شوند و از بحور معانی آن بیآشامند آشامیدنی که اثر آن در ملک باقی و پاینده ماند قوله تعالی

هو الشّاهد السّامع العلیم الخبیر

 یا محمّد قبل رضا حمد کن محبوب عالم را که بعنایت اسم اعظم تو را تأیید نمود و بآنچه که الیوم اکثر اهل ارض از آن غافل و محجوبند هدایت فرمود سبیل الهی واضح و آیاتش نازل و بیّناتش ظاهر مع‌ذلک کلّ غافلند الّا من شآء اللّه قدر این ایّام را بدان و بذکر و ثنای حقّ جلّ جلاله مشغول باش حشمت جبابره و سطوت فراعنه و شوکت اکاسره و ثروت قیاصره کل فانی و معدوم مشاهده شد و آنچه هم الیوم مشهود است البتّه بفنا راجع خواهد گشت سزاوار اینکه انسان متشبّث شود بامری که پاینده و باقی است ان احمد ربّک بما عرّفک مشرق وحیه و مطلع آیاته و مظهر نفسه و انزل لک ما لا تعادله ممالک الأرض کلّها انّ ربّک لهو الغفور الکریم ثمّ اسأله بأن یؤیّدک علی ما ینبغی لأیّامه انّه لهو السّامع المجیب الحمد للّه مالک هذا الیوم البدیع انتهی انشآءاللّه در کلّ احیان از کلمات الهی اخذ نمایند آنچه را که سبب حیوة و بقا است انّ الخادم یحبّ ان یذکر من اقبل الی اللّه و فاز بعرفانه و خضع لسلطانه و نطق بثنائه اینکه مرقوم فرموده بودند بنیابت آن محبوب بزیارت فائز شوم دو ساعت از شب سه‌شنبه ٢۵ ربیع‌الأولی قصد محضر مالک الوری نموده و بعد از حضور و اذن زیارت و طواف بعمل آمد و الحمد للّه بطراز قبول فائز شد هنیئاً لحضرتک

 ولی اینکه ذکر ارض کاف و جناب نوّاب علیه بهآء اللّه و جناب حاجی سیّد محمّد و جنابان آقا سیّد نصراللّه و آقا سیّد هاشم علیهم بهآء اللّه فرموده بودند این باصغاء مالک اسماء فائز و نسبت بهر یک تجلّیات آفتاب عنایت مشرق و لائح چندی قبل خدمت جناب ن‌و تفصیلی این عبد نوشته ارسال داشت و هم‌چنین لوح امنع اقدس مخصوص ایشان ارسال شد و هم‌چنین مخصوص جناب حاجی سیّد محمّد و سایر دوستان بهمراهی جناب شیخ س علیه بهآء اللّه الواح بدیعهٴ منیعه ارسال شد این خادم فانی از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل است که کل را بشأنی مؤیّد فرماید که اشیاء متلوّنهٴ این دوروزهٴ دنیا از مالک اسماء منع ننماید موفّق شوند بآنچه که سزاوار است و مؤیّد گردند بآنچه که بطراز بقا مزیّن است و هم‌چنین دستخطّ دیگر آن محبوب که بتاریخ ٢٧ ذی‌الحجّة الحرام مرقوم فی‌الحقیقه دریاق بود از برای این خادم علیل چه که مزیّن و معطّر بود بعرف خلوص آن محبوب للّه الفرد العزیز الودود

 و اینکه ذکر مراجعت بارض ق‌م‌ص و هم‌چنین ملاقات با جناب حاجی سیّد ابرهیم علیه بهآء اللّه فرموده بودند ذکر ایشان در ساحت امنع اقدس عرض شد یک لوح مخصوص ایشان از سماء عنایت نازل و هم‌چنین مکتوب این عبد جناب آقا میر عبدالرّحیم علیه بهآء اللّه و مخصوص ایشانهم در مکتوب این عبد لوح امنع اقدس نازل و هم‌چنین مخصوص نفوس مذکورهٴ در مکتوب ایشان فرداً فرداً از افق سماء فضل الواح بدیعهٴ منیعهٴ ممتنعه اشراق نمود انشآءاللّه بآن فائز شوند و هم‌چنین مخصوص جناب ملّا غلام رضا علیه بهآء اللّه از ارض جاسب و نفوس مذکورۀ در مکتوب ایشان که باین عبد نوشته بودند و هم‌چنین مخصوص جناب شیخ حسن علیه بهآء اللّه و نفوس مذکورۀ در مکتوب ایشان الحمد للّه در بارهٴ جمیع اسامی مذکورۀ در پاکتهای آن محبوب اظهار فضل و عنایت کبری از مشرق رحمت مالک اسماء مشهود و لائح آن محبوب ملاحظه فرمایند و بعد از اخذ صورت اصل را ارسال دارند نزد جناب حاجی سیّد ابرهیم علیه بهآء اللّه و ایشان بعد از ملاحظه بصاحبانش یعنی نفوس مذکوره برسانند

 و اینکه در ذکر حقوق مرقوم داشته بودند بیع املاک حسب الأمر جایز نه نفوسی که حقوق بر ایشان تعلّق گرفته در صورت استطاعت بادای آن فائز شوند فرمودند املاک را بخود آن نفوس واگذاشتیم لهم ان یتصرّفوا فیها کیف یشاؤون انتهی خیر اعمال حسنه بخود نفوس عامله راجع است مخصوص نفسی که بادای حقوق اللّه موفّق گردد این امری است که باید بکمال اعزاز جاری شود هر نفسی اقبال نماید و بکمال میل و رضا ادا کند امنا از او بپذیرند والّا انّه غنّی عن العالمین

 این کلمهٴ علیا از قلم اعلی مخصوص ابوالحسن اردکانی صادر از جمیع دنیا بگذرید و از یک ذرّه اعزاز امر اللّه نگذرید انتهی طوبی از برای نفوسی که فی‌الحقیقه الیوم بخدمتی قیام نموده‌اند و بما ینبغی مؤیّد گشته‌اند

 و اینکه در بارهٴ مبلّغین مرقوم داشتند در ساحت اقدس مقبول افتاد فی‌الحقیقه باید هر نفسی که بر این امر خطیر اعظم قیام نماید بجمیع صفات ظاهره و باطنه مزیّن باشد و بقدر کفاف با او باشد و در هر ارض که وارد شود عرف انقطاع از او متضوّع گردد فی‌الحقیقه آن محبوب در این مقام بیان مرغوبی فرموده‌اند انشآءاللّه آن محبوب در جمیع احوال مؤیّد و موفّق باشند بر اموراتی که سبب اعزاز امر اللّه است فرمودند زاد مبلّغین دو قسم است و هر دو لازم الأوّل التّوکّل علی اللّه و الثّانی باید آنچه از حقوق اللّه حاصل بعضی بایشان یعنی بمبلّغین داده شود انتهی و از سنین قبل در شرایط مبلّغین از قلم اعلی نازل شده آنچه کافی است فی‌الحقیقه این امر بسیار عظیم است طوبی لمن فاز به انّه ممّن نصر اللّه ربّه بکمال ما یمکن فی الابداع انشآءاللّه نفوس متموّلۀ باثروت موفّق شوند بر ادای حقوق تا این امورات بکمال روح و ریحان در ارض جاری شود لو عرفوا لأنفقوا ارواحهم و ما عندهم فی سبیل اللّه و دیگر خود آن محبوب در اخذ حقوق مأذونند الحمد للّه تجلّیات آفتاب عنایت آن جناب را اخذ نموده له الحمد فی کلّ الأحوال و هو العطوف الکریم و قرار آن محبوب در امر حقوق فی‌الحقیقه درست و محکم بود ولکن چون این فقره معلّق بعمل نفوس کثیره است در مدن و قری البتّه انتشار یابد و انتشار آن سبب ضوضای غافلین و جاهلین گردد لذا باید به ما حکم به اللّه عمل نمود و در بارهٴ دو واحد در حقوق که ذکر فرموده بودند حسب الأمر عدد اسم اعظم خود جناب حاجی سیّد ابرهیم تصرّف نمایند و در اعیاد صرف کنند و یا بفقرا بدهند هر دو لدی الوجه محبوب است و مابقی بآن محبوب یا بجناب حاجی میرزا ابوالحسن علیه بهآء اللّه میرسد

 اینکه ذکر جناب آقا محمّد هاشم و سه نفس دیگر که برحیق ایمان فائز شدند مرقوم داشتند تلقاء وجه عرض شد هذا ما نزّل فی الجواب من ملکوت اللّه مالک المآب قوله عزّ کبریائه

هو الأقدس الأعظم الأبهی

یا هاشم قد ذکرک من قام علی خدمتی و اقتصر اموره علی نصرة امری نذکرک فضلاً من لدنّا و انا الفضّال الکریم طوبی لبیت فیه ارتفع ذکری و لعبد تزیّن بطراز حبّی العزیز البدیع ان احمد اللّه بما ایّدک علی عرفانه و هداک الی صراطه المستقیم لک ان تشکر اللّه فی کلّ الأحیان انّ ربّک لهو السّامع المجیب

 و نذکر محمّد الّذی اقبل الی الأفق الأعلی و فاز بهذا الأمر الّذی اعرض عنه من علی الأرض الّا من شآء اللّه ربّ العالمین یا محمّد ان اسمع النّدآء من شطر السّجن و قل لک الحمد یا الهی بما عرّفتنی و شربتنی کوثر البیان من ایادی العطآء اشهد انّ فضلک سبق العالم لا اله الّا انت الغفور الرّحیم

 و نذکر امة‌اللّه الّتی اقبلت و ارادت ان تشرب کوثر البیان فی ایّام ربّها الرّحمن طوبی لکلّ امة فازت بهذا المقام الکریم و نذکر امة اخری و نبشّرها بفضلی و عنایتی و نأمرها و امائی بالاستقامة علی الأمر و العمل بما ینبغی لأیّام اللّه الفرد الواحد الخبیر انتهی

 استدعای جناب آقا محمّد هاشم تلقاء وجه عرض شد لسان عنایت باین کلمهٴ مبارکه ناطق نسأل اللّه تعالی بأن یقدّر لها ما ینفعها فی الآخرة و الأولی انّه یعلم ما عنده و هو الشّاهد السّامع العلیم انتهی

 و اینکه مرقوم داشتند که جناب آقا محمّد هاشم از اهل ص بیت خود را اراده نموده‌اند باسم حقّ فائز شود و محلّ عبور و مرور احبّآء اللّه واقع گردد این مراتب عرض شد هذا ما نطق به لسان مقصودنا و مقصود من فی السّموات و الأرض قوله عزّ اجلاله یا اسد علیک بهائی انّا قبلنا ما کتبته بشّر من قبلی من سمّی بمحمّد قبل هاشم لیشکر اللّه ربّه بهذا الفضل العظیم طوبی از برای نفوسی که مقام یوم الهی را ادراک نمودند و بفیوضات حضرت فیّاض فائز گشتند جمیع انبیا و مرسلین لقای این یوم را از حقّ جلّ جلاله آمل و سائل بودند و این امر در جمیع کتب و صحف الهی مذکور و مسطور است مع‌ذلک فائز نشد مگر اهل سفینهٴ حمرا که از قلم اعلی در قیّوم اسماء ذکر آن نازل انشآءاللّه بتأییدات حضرت مقصود نفوسی که بضغینه و بغضا آلوده نشده‌اند نفحات وحی را ادراک نمایند و بآنچه مقصود است فائز شوند کبّر من قبل احبّائی فی المدن و الدّیار و بشّرهم بفضل اللّه و عنایته و رحمته الّتی احاطت الملک و الملکوت انتهی

 یا محبوب فؤادی نفوسی که نفحات محبّت محبوب عالمیان در ایشان ساطع و متضوّع است فی‌الحقیقه عدل و مثل و شبه نداشته و ندارد و این خادم فانی لازال ذکر ایشان را دوست داشته و دارد بشأنی که اگر جمیع ایّام و لیالی بذکر ایشان مشغول شود مع‌ذلک اقلّ از ذرّ بنظر میآید از حقّ جلّ جلاله این خادم فانی سائل است که مقامات لا مثل لها از برای ایشان مقدّر فرماید انّه لهو الغفور الرّحیم

 و اینکه ذکر جناب محمّد حسین ابن مرفوع آقا محمّد باقر علیهما بهآء اللّه فرمودید این فقره در ساحت امنع اقدس عرض شد قوله جلّ و عزّ

هو الشّاهد النّاطق العلیم

یا محمّد قبل حسین امروز روز اقبال و توجّه و ذکر و ثنا و خدمت است انشآءاللّه از نسائم ربیع بهار الهی تازه و خرّم باشی و بذکر محبوب عالمیان ناطق قسم بآفتاب افق ظهور یک ذکر الیوم اعزّ است عنداللّه از ذکر خلق کثیر که در غیر این ایّام واقع شود تمسّک بحبل عنایة ربّک و توکّل علیه انّه یؤیّد من یشآء امراً من لدنه و هو الفضّال الکریم از حقّ جلّ جلاله بطلب تا تو و اهل آن ارض را از نعیق ناعقین و ضوضاء کاذبین و خادعین حفظ فرماید انّه هو المقتدر العلیم الحکیم انّا نکبّر من هذا المقام علیک و علی احبّائی الّذین اجابوا اذ سمعوا ندائی العزیز البدیع انتهی

 الحمد للّه هر نفسی که از قلم آن محبوب ذکرش جاری شد بعنایت حقّ جلّ جلاله فائز گشت انشآءاللّه قدر این مقام اعزّ اعلی را بدانید و باسم محبوب امکان حفظش نمائید اکثر امور الیوم مستور است یا لیت وجدت نفحات الاذن و ذکرت لأولیآء اللّه ما قدّر لهم من لدی اللّه ربّنا و ربّکم و ربّ من فی السّموات و الأرضین

 اینکه در بارهٴ جناب حاجی میرزا حیدر علی علیه بهآء اللّه مرقوم داشتند که بحکم مشاورت قرار شد در ارض ک بمانند و در هر چندی باطراف آن عبور نمایند و ناس را بامر الهی متذکّر دارند این فقره لدی الوجه مقبول افتاد انشآءاللّه باین خدمت اعظم فائز شوند و به ما اراده اللّه عامل و در جمیع احوال باید بحکمت ناظر باشند اگرچه الحمد للّه خدمات ایشان بمثابهٴ آفتاب روشن است احتیاج بعرض این خادم نبوده و نیست ولکن این عرض نظر بتأکید جمال قدم است یومی از ایّام این کلمهٴ علیا از لسان مبارک ظاهر فرمودند مهاجرین للّه که مخصوص تبلیغ امر بمدن و دیار توجّه مینمایند اگر امام وجوه ناس به بیت یکی از احبّای الهی که معروف است وارد شوند این از حکمت خارج است و از این بیان محبوب امکان اهمّیّت حکمت معلوم و واضح است و هم‌چنین فرمودند باید از برای ایشان از حقوق الهی بقدر احتیاج معیّن شود و اینکه حال هم بسمت مازندران توجّه نموده‌اند آنهم لدی اللّه مقبول است انشآءاللّه نفوسی مخصوص این خدمت بزرگ مبعوث شوند و بکمال زهد و ورع و تقوی بمدن و دیار توجّه نمایند که شاید عظام رمیمه از رشحات بحر بیان الهی زنده شوند تا کل بطراز انّا للّه و انّا الیه راجعون مزیّن گردند

 و دستخطّ چهارم آن حضرت که بتاریخ ۶ محرّم الحرام سنهٴ ١٢٩٩ مرقوم شده بود غم برد و بهجت آورد للّه الحمد فی کلّ الأحوال و بعد از قرائت و اطّلاع قصد اعلی المقام نموده و در منظر اکبر تلقاء وجه تمام آن عرض شد قوله عزّ اجلاله یا اسد علیک بهائی صریر قلم اعلی در لیالی و ایّام قطع نشده انشآءاللّه خلق عالم باصغاء آن فائز شوند امروز آفتاب حقیقت در جمیع احوال در وسط الزّوال مشاهده می‌شود ابصاری که قابل مشاهده باشد بسیار کمیاب انشآءاللّه آن جناب بکحل حکمت رمد ابصار را رفع نمایند شاید در این ایّام که سلطان ایّام است محروم نمانند مکرّر میگوئیم دوستان الهی را در هر دیار که ملاقات شد از قبل مظلوم تکبیر برسان شاید بنفحات تکبیر الهی فائز شوند و به ما یرتفع الأمر مشغول گردند انتهی مکرّر در این دستخطّ آن حضرت هم ذکر حقوق بوده در این فقره آنچه از لسان مبارک اصغا شد عرض شد حقّ جمیع را مؤیّد فرماید که هر وقت قدرت و قوّت ظاهر شد ادا نمایند طوبی للعاملین و طوبی للفائزین

 و اینکه در بارهٴ جناب اخوی علیه بهآء اللّه و مراتب اقبال و خلوص و خضوع و خشوع ایشان را مرقوم داشتید سبب و علّت سرور جدید گردید در الواح الهی در بارهٴ ایشان نازل شده آنچه که ثمر آن ظاهر شده و میشود و آنچه آن محبوب در این مقام مرقوم داشتند در شبی از شبها این خادم فانی بتفصیل تلقاء وجه عرض نمودم تبسّم فرمودند و بعد باین کلمهٴ مبارکه نطق فرمودند قوله عزّ کبریائه انشآءاللّه بتأییدات الهی مؤیّدند قد انزلنا له ما لا یعادله شیء انّا نکبّر من هذا المقام علیه و نبشّره بما اراده اللّه ربّ العالمین انّ الأمور کلّها فی قبضة قدرته یفعل ما یشآء بسلطانه لا اله الّا هو المقتدر القدیر انتهی الحمد للّه آثار فضل و عنایت و رحمت در بارهٴ آن جناب و بستگان ظاهر و هویدا است هم از او میطلبیم ایشان را مؤیّد فرماید بر آنچه باقی و دائم است و مقدّر فرماید از برای ایشان خیر دنیا و آخرت را انّه هو القویّ الحکیم این فانی خدمت ایشان تکبیر میرساند انشآءاللّه بخیر ظاهر و باطن فائزند و از نظر این فانی نرفته و نخواهند رفت

 و اینکه در دستخطّ دیگر ذکر خدمت بعضی و عدم قبول اعزازاً لأمر اللّه مرقوم داشتند در ساحت امنع اقدس اعلی عرض شد این کلمهٴ علیا از لسان مطلع امر ظاهر قوله تعالی للّه درّه و درّ من یسمع قوله آنچه نوشته‌اند صحیح و تمام است انتهی

 و اینکه در بارهٴ جناب ملّا غلام رضا علیه بهآء اللّه از اهل فاران و حکایت اسب مرقوم داشتید فرمودند عمل او للّه بوده و عدم قبول آن البتّه سبب و علّت حزن میشد انّا نذکره فی هذا الحین و فی هذه السّاعة هذا اللّیل و فی هذا السّجن و فی هذا المقام الّذی عجز الألسن عن ذکره و الأقلام عن ثنائه و نبشّره بقبول ما عمل فی سبیلی و نذکره کما ذکرناه من قبل و انا الذّاکر العلیم انتهی انشآءاللّه آن محبوب فائزند بآنچه لدی العرش محبوب است و عاملند بآنچه سبب عزّت امر است

 و اینکه مرقوم داشتید که ارادهٴ توجّه بارض الف و راء و ص و ن‌ج و اطراف فرموده‌اند این مراتب بتمامه عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة انشآءاللّه بمثابهٴ نسیم سحری بر دیار الهی مرور نمایند و جمیع را متذکّر دارند که شاید اشجار بستان معنوی باثمار بدیعهٴ منیعه یعنی اعمال طیّبهٴ حسنه مزیّن شوند انتهی

 عرض این فانی اینکه اهل خاء یعنی جناب آقا خداداد و آقا عزیزاللّه علیهما بهآء اللّه و سایر دوستان الهی ذکر شما را نموده‌اند چنانچه خود آن جناب هم در این باب سبقت گرفته و ذکر اولیا و دوستان ارض خاء را بتفصیل از قبل نوشته‌اند در این ایّام بعضی مسئلت نموده‌اند که آن جناب بآن سمت توجّه نمایند مخصوص جناب آقا عزیزاللّه انشآءاللّه بتأییدات الهی باراضی مذکوره کلّها توجّه نمائید و جمیع را متذکّر دارید عرض دیگر این فانی خدمت محبوبی جناب ملّا علی اکبر علیه بهآء اللّه مالک القدر عرض خلوص و فنا و نیستی این فانی منوط بعنایت آن محبوب است دستخطّ ایشان الحمد للّه علّت فرح و انبساط شد و هم‌چنین دستخطّی که بجناب آقا حسین علیه بهآء الله مرقوم داشته بودند در ساحت اقدس عرض شد کمال عنایت ظاهر و فی‌الحقیقه سبب تذکّر بعضی واقع گشت کلمهٴ حقّ در هر حال مؤثّر است و هم‌چنین مراسله‌ئی هم بجناب اسم جود علیه بهآء اللّه الأبهی ارسال داشته بودند آنهم در ساحت اقدس معروض گشت و این عبد باطمینان اینکه در ارض طاء تشریف دارند در ارسال جواب این کرّه تعویق نمود انشآءاللّه کرّهٴ بعد امید هست این فانی بعرض جواب موفّق شود

 عریضهٴ جناب آقا میرزا صادق ابن جناب آقا میرزا محمود علیهما بهآء اللّه بساحت اقدس فائز و تلقاء عرش عرض شد هذا ما نزّل من ملکوت بیان ربّنا الرّحمن قوله تعالی

هو النّاطق من افقه الأبهی

یا صادق قد حضر کتابک و سمعنا منه ندائک وجدنا عرف حبّک طوبی لأبیک و امّک و لمن رزقه اللّه ذرّیّة طیّبة نطقت بثنآء المحبوب و قامت علی خدمة امره المبرم الحکیم ان افرح بما اجبناک بما یقرّبک الی اللّه ربّ العالمین انّا ذکرنا اباک و اخته من قبل بآیات لا یعادلها شیء من الأشیآء انّ ربّک لهو النّاطق العالم الخبیر و ارسلناه مع السّلمان الّذی دار البلاد بألواح ربّه المقتدر القدیر البهآء علیک و علی من کتب کتابک (کمال‌الدّین) و علی من اقبل الی الأفق الأعلی المقام الّذی فیه ینطق لسان العظمة الملک للّه مالک هذا الیوم البدیع

 و نذکر من سمّی بنصراللّه الّذی ذکرنی و انا الذّاکر العلیم قل ایّاک ان تمنعک شؤونات العالم عن مالک القدم دعها و خذ ما امرت به من لدن عزیز حکیم قد سمعنا ندائک اجبناک و اقبلنا الیک من هذا المقام البعید البهآء علیک و علی الّذین ذکرت اسمائهم فی کتاب من سمّی بصادق الّذی توجّه الی وجه ربّه العزیز الحمید ان افرحوا یا احبّائی انّه اتی ببحر الفضل و غفر الّذین ارادوا الغفران انّه لهو الغفّار الفضّال العطوف الکریم انتهی

 انشآءاللّه نفوس مذکوره بآیات بدیعه فائز شوند الحمد للّه ذکرشان در مقام لیس کمثله شیء معروض گشت و نسبت بهر یک شمس بخشش حقّ جلّ جلاله مشرق

 عرض دیگر این فانی آنکه محبوب فؤاد ابن جناب اسم اللّه الأصدق علیهما بهآء اللّه و عنایته دو دستخطّ باین عبد ارسال داشته‌اند جواب دستخطّ اوّل عرض شد و اراده بود که این کرّه ارسال شود بعد دستخطّ ثانی رسید این عبد فانی اراده نمود که جواب آن را هم عرض نماید و یکمرتبه ارسال دارد و دستخطّ ثانی وقتی رسید که پوسته عازم بود و وقت غیر موجود عرض فنا و نیستی خدمت ایشان بسته بمرحمت آن محبوب است انشآءاللّه در خدمت محبوب عالمیان بمثابهٴ برق متحرّک و منیر باشند و بمثابهٴ شریان در هیکل عالم نبّاض الأمر للّه المقتدر العزیز الفیّاض مکتوب آخر رسید و افسردگی دست داد چه که حقّ شاهد حال است زمانی که بذکر آقایان یعنی نفوس قائمۀ بر امر اللّه مشغولم حرارت محبّت ارکان را اخذ مینماید بکمال شوق و شعف و شغف عرض میشود و قریب بانتها حزن دست میدهد یسأل اللّه الخادم الفرح و الفرج و السّرور لحضرتک و لمن فاز بخدمة الأمر فی ایّام اللّه ربّ العالمین استدعا اینکه در هر دیار که وارد میشوید سلام و تکبیر این فانی را خدمت دوستان الهی برسانند انشآءاللّه جمیع بکمال اتّحاد و اتّفاق که فی‌الحقیقه اکسیر اعظم است از برای هیاکل نحاسیّهٴ عالم موفّق شوند البهآء علی حضرتکم و علی احبّآء اللّه و اولیائه فی الأقطار انّه لهو السّامع البصّار

فی ۴ ربیع‌الثّانی سنة ١٢٩٩

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۹ سپتامبر ۲۰۲٣، ساعت ۳:٠٠ بعد از ظهر